

کدام شعار؟ کدام جبهه؟

ایران در چه مرحله ایست

و وظیفه نیروهای ملی چیست

"صلح - عدالت - آزادی"

هیچ جنبش اجتماعی بی نیاز از جبهه ای متحد از نیروهای حاضر در صحنه نیست و هیچ جبهه ای بدون توافق بر سر عام ترین اصول مورد تفاهم - در مرحله گذار جنبش - تشکیل نمی شود. خواست های مرحله ای و تاکتیکی هر جبهه ای را واقعیات روز و مرحله ای که جنبش در آن قرار دارد تعیین می کند و در کوتاه ترین و گویاترین شعار بیان می شود. این، نه تنها از خدشه ناپذیرترین اصول مبارزات اجتماعی است، بلکه تجمع نیروی تحول، منزوی ساختن نیروی مقابل و یورش به ضعیف ترین حلقه آن درگرو همین اصل است. حزب توده ایران، به شهادت تمام اسناد و مصوبات تاریخی خود، حتی برای دورانی کوتاه نیز این اصل را فراموش نکرده و به همین دلیل برای هر مرحله از تحولات اجتماعی ایران، شعار واحد، جبهه پیشنهادی و برنامه حداقل خویش را به همه نیروهای حاضر در صحنه هر جنبش اجتماعی در ایران ارائه داده است. از جبهه ضد فاشیسم در ابتدای تاسیس حزب توده ایران تا پیروزی انقلاب ۵۷ تا سال های آغاز انحراف در مسیر این انقلاب و سنگین و سنگین تر شدن کفه ترازوی "نبرد که بر که" در جمهوری اسلامی به سود ارتجاعی ترین و عقب مانده ترین گروه بندی های حاضر در حاکمیت و سلطه سرمایه داری لجام گسیخته تجاری و غارتگران اجتماعی بر سرنوشت این انقلاب. در این سال ها نیز متناسب با هر مرحله عبوری و براساس توازن نیروهای حاضر در حاکمیت و خواست عمومی مردم، این و یا آن پیشنهاد برای تشکیل جبهه ای متحد، ارائه شده است. بدین ترتیب، هر جبهه، شعار و برنامه حداقلی متناسب با شرایط تعیین و اعلام می شود.

در ادامه همین مشی و سیاست توده ایست، که امروز و در شرایط جدیدی که پس از دوران ۸ ساله جنبش اصلاحات در حاکمیت و جامعه پیش آمده، باید آن شعار و تاکتیک عامی را یافت که ماهیت جبهه جدیدی از نیروها، برای عبور از این مرحله را شامل شود. شرایط جدید و نوینی که در ایران حاکم شده، جامعه ما را به کام جنگ می برد. دولت نیمه نظامی - نیمه امنیتی که تدارک آن را از همان سال های جنبش اصلاحات دیده بودند و در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری آن را از صندوق های رای بیرون کشیدند، با اهداف جنگ طلبانه بر سرکار آمده است. این جنگ طلبی امروز پشت شعار "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" پنهان شده و خواب شوم رهبری شیعیان خاورمیانه را دیده است. این خواب را تئوریزه کرده اند و امنیت ملی و مصون ماندن از تعرض نظامی امریکا را وابسته به آن اعلام داشته اند. سرکوب داخلی، ریختن پول نفت به کام قوای نظامی و تاسیسات اتمی بجای صرف آن در راه آبادانی کشور و نجات میلیون ها ایرانی از چنگال فقر و بیکاری، دامن زدن به خرافات و ترویج ارتجاع دینی با هدف فراهم ساختن گوشت دم توپ و تحمیل فضای جنگی به جامعه آشکارتر از آن شده است که نیازی به استدلال باشد. حاکمیت کنونی، که خود بخشی منزوی شده از مجموع حاکمیت جمهوری اسلامی است، ایران را به کام جنگ می برد و امنیت خویش را نه در اعتماد و وحدت ملی مردم ایران و در داخل مرزهای کشور، بلکه در بسیج نیرو از میان فقر زدگان و غارت شدگان حکومتی با شعار وحدت **اسلام اتمی** در داخل و ماجراجویی های سازمان یافته در کشورهای شیعه نشین منطقه جستجو می کند.

هر شعار و جبهه پیشنهادی، در این مرحله باید بازتاب دهنده همین شرایط و شامل نیروهای مخالف جنگ و فاجعه ویرانی کشور و تقسیم آن به جزایر جدا از هم باشد. بنابراین، بحث بر سر آن نیست که امریکا به ایران حمله می کند و یا نمی کند، بلکه بحث بر سر آنست که حاکمیت کنونی بقای خویش را با سیاست نظامی، جنگی و تعرضی پیوند زده است و آنچه باید در برابر آن مقاومت کرد همین است! شعار صلح (علیه جنگ)، عدالت (علیه غارتگری و ریختن ثروت کشور به کام سیاست جنگی) و آزادی (برای شکستن دیوار سکوت و آگاه ساختن مردم به ریشه واقعیات و سیاست های حاکمیت) امروز به همین دلایل و ترکیب "صلح، عدالت، آزادی" در دستور هر جبهه ایست که تشکیل شود. هستند نیروها و احزاب و سازمان هایی که می گویند "هنوز جنگ و حمله ای در کار نیست و چنین شعاری برای مردم قابل درک نیست."

در پاسخ باید گفت: شعار و جبهه و مبارزه برای پیشگیری از واقعه است، نه برای پس از واقعه. فردای حمله و جنگ و ویرانی، شعار جبهه می تواند شعار دیگری باشد، اما آنچه امروز باید برای آن مبارزه کرد جلوگیری از جنگ و ویرانی است.

هستند کسانی که می گویند: شعار صلح، شعاری است با رویکرد بیرونی و نه درونی. این شعار علیه جنگ طلبی امریکاست و حاکمیت نیز نا خرسند از تبلیغ آن نیست.

در پاسخ به این گروه نیز می توان گفت: شعار صلح، علیه جنگ و جنگ طلبی و سیاست جنگی است و به همین دلیل، عملاً شعاری است علیه حاکمیت جنگ طلب، در عین حال که مقابله ایست علیه امریکا و یا هر قدرت دیگری که قصد ویران سازی ایران و تکه تکه کردن آن را داشته باشد. عدالت و آزادی نیز باید با صلح در پیوند با هم مطرح شوند، زیرا هیچ جنگی عدالت نمی آورد و اختناق و مقابله با آزادی خمیرمایه سیاست جنگی است. بدین ترتیب، شعار "صلح - عدالت - آزادی" عملاً هم علیه نیروی متخاصم خارجی است و هم علیه حاکمیتی که بقای خود را با جنگ و برتری جوئی مذهبی در منطقه پیوند زده است. از جمله وظائف این جبهه و اساساً تشکیل و اعلام و یا حمایت از آن، خود گام بزرگی است برای آگاه سازی و بسیج مردمی که حاکمیت تمام روزه های اطلاعاتی آنها را بسته و می بندند و آنها را زیر رگبار تبلیغات گمراه کننده و توأم با خرافات مذهبی گرفته است.

درباره محتوای این شعار (حتی در صورتی که نام های دیگری برای آن پیشنهاد شود) بیاندیشیم و پیرامون آن بحث کنیم. نه فردا پس از فاجعه، بلکه امروز پیش از حادثه!